

## فهرست

نگاه مترجم.....	نه
پیش درآمد.....	۱
مردی در پس پرده.....	۷
بخش اول: در همیشه.....	۱۳
فصل اول: گریز راهها.....	۱۵
فصل دوم: پست خالی برلین.....	۲۶
فصل سوم: انتخاب.....	۳۷
فصل چهارم: هراس.....	۴۲
فصل پنجم: شب نخست.....	۶۳
بخش دوم: شکار خانگی در رایش سوم.....	۸۱
فصل ششم: وسوسه.....	۸۳
فصل هفتم: کشمکش نهان.....	۹۷
فصل هشتم: دیدار با پوتزی.....	۱۱۰
فصل نهم: مرگ مرگ است.....	۱۱۶
فصل دهم: تیرگارتین اشتراسه، پلاک ۲۷ آ.....	۱۲۸
بخش سوم: ابلیس در باغ.....	۱۳۷
فصل یازدهم: موجودات غریب.....	۱۳۹
فصل دوازدهم: بروتوس.....	۱۵۲
فصل سیزدهم: راز پنهان من.....	۱۶۸

۱۷۸	فصل چهاردهم: مرگ بوریس.....
۱۸۷	فصل پانزدهم: مسئله یهود.....
۱۹۲	فصل شانزدهم: تقاضای پنهان.....
۲۰۰	فصل هفدهم: گریز ابلیس.....
۲۱۰	فصل هجدهم: هشدار از دوست.....
۲۲۳	فصل نوزدهم: دلال محبت.....
۲۲۵	<b>بخش چهارم: بی تابی اسکلت.....</b>
۲۲۷	فصل بیستم: بوسه پیشوا.....
۲۳۵	فصل بیست و یکم: مسئله جورج.....
۲۴۴	فصل بیست و دوم: شاهد چکمه پوش.....
۲۵۱	فصل بیست و سوم: مرگ دگر باره بوریس.....
۲۵۳	فصل بیست و چهارم: رأی ستانی.....
۲۵۸	فصل بیست و پنجم: راز پنهان بوریس.....
۲۶۴	فصل بیست و ششم: مهمانی انجمن مطبوعات خارجی.....
۲۷۷	فصل بیست و هفتم: آتوزن بام.....
۲۹۵	<b>بخش پنجم: تشویش.....</b>
۲۹۷	فصل بیست و هشتم: ژانویه ۱۹۳۴.....
۳۰۶	فصل بیست و نهم: فشار.....
۳۰۹	فصل سی ام: دلشوره.....
۳۱۵	فصل سی و یکم: ترورهای شبانه.....
۳۲۳	فصل سی و دوم: تلنگر طوفان.....
۳۲۶	فصل سی و سوم: یادداشت گفتگو با هیتلر.....
۳۴۱	فصل سی و چهارم: دیلز، هراسان.....
۳۴۵	فصل سی و پنجم: رود روی باشگاه.....
۳۵۰	فصل سی و ششم: نجات دیلز.....
۳۵۷	فصل سی و هفتم: مراقبان.....
۳۵۸	فصل سی و هشتم: نیرنگ.....
۳۶۵	<b>بخش ششم: برلین در شامگاه.....</b>
۳۶۷	فصل سی و نهم: شام خطر آلود.....
۳۷۵	فصل چهلم: خلوت کده نویسنده.....
۳۸۶	فصل چهلم و یکم: نا آرامی در همسایگی.....

## هفت

## فهرست

۳۸۸	..... فصل چهل و دوم: بازیچه‌های هرمان
۳۹۵	..... فصل چهل و سوم: کوتوله لب باز می‌کند
۴۰۴	..... فصل چهل و چهارم: پیامی در حمام
۴۰۶	..... فصل چهل و پنجم: درد و دغدغه خانم چروتی
۴۱۲	..... فصل چهل و هشتم: جمعه شب
۴۱۷	..... بخش هفتم: زمانی که همه چیز دگرگون شد
۴۱۹	..... فصل چهل و نهم: آتش، آتش، آتش
۴۲۷	..... فصل چهل و دهم: تفنگ‌ها در پارک
۴۳۱	..... فصل چهل و یازدهم: جان‌باخته
۴۳۹	..... فصل پنجاهم: در میان زندگان
۴۴۳	..... فصل پنجاه و یکم: فرجام همدلی
۴۵۳	..... فصل پنجاه و دوم: فقط اسب‌ها
۴۶۳	..... فصل پنجاه و سوم: جولیت شماره ۲
۴۶۷	..... فصل پنجاه و چهارم: رؤیای عشق
۴۷۹	..... فصل پنجاه و پنجم: ظلمت که فروکش کرد
۴۹۱	..... پی‌گفتار
۴۹۱	..... پرندۀ غریب در تبعید
۵۰۱	..... گپی بر سر میز
۵۰۳	..... منابع

## نگاه مترجم

سالیان خدمتم در برلین، به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱-۱۳۷۷)، ذره‌بینی شد برای بازنگاهی به همه‌التهابات و تلاطمات تاریخی قرن بیستم – دو جنگ بزرگ جهانی، همگرایی و واگرایی تاریخی‌ساز میان دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم، آغاز جنگ سرد، قد کشیدن دیوار برلین در این میان و در نهایت فروری همین دیوار و سربرآوردن آلمانی متحد از میانه‌آوارهای آن؛ و این همه از برلین و در برلین.

در چهارسال و نیم خدمتم، جابه‌جای برلین برایم همه‌این تاریخ شد؛ و شد برایم عطشی سیراب‌نشده برای کندوکاوی در زوایای پنهان و ناگفته‌این همه، و نیز شور و شوقی برای بازگفتن و بازتاباندن آن. در باغ حیوانات اریک لاریسن را در انبوه کاوش‌ها، تاکنون، در لایه‌لایه تاریخ آلمان، خصوصاً بازه‌ای که ناسیونال سوسیالیسم نازی بر بستر آن جان گرفت، و به جان جهان افتاد، از منظری و به لحاظی دیگرگون یافتیم؛ و شاید سرگردنی بالاتر – منظر و روایتش از پست و بلند مسیر حرفه‌ای، و نیز خصوصی، یک سفیر در برلین هیتلر، و نگاهش به زوایایی نادیده و ناکاویده از این بازه از سویی؛ و از سوی دیگر مستنداتش، بافت داستانی‌اش و خبرگی راوی‌اش در پرداختن به برهه‌سرنوشت‌سازی که هیتلر در آن گام به وادی قدرت گذاشت، و کمر به تغییر جهان بست؛ و این بار با مستمسک سستی از نگاه او آوارشده بر کشورش، در پایان جنگ جهانی اول، در ورسای.

بستر روایت لاریسن سالیان مأموریت ویلیام ای. داد، سفیر آمریکا در برلین، در ایام آغازین حکومت فرانکلین د. روزولت، است؛ آن زمان که هیتلر تازه پا به عرصه قدرت گذاشته بود. استاد تاریخ در دانشگاه شیکاگو بود و از قشر میانه؛ دموکراتی جفرسونی، صریح و صادق، قانع و ساده‌زیست، و البته وصله‌ای ناجور بر پیکره دیپلماسی سنتی وزارت خارجه آمریکا.

در امریکای درگیر بحران بزرگ اقتصادی و خاطرات جنگ جهانی اول، انزواگرایان و کنگره مخالف دخالت کشورشان در تحولات آلمان و اروپا بودند و چشمشان بسته بر مشی و منش نازیسم، در آلمانی سربرآورده از خاکسترهای جنگ جهانی اول، و پیش روی گام به گام هیتلر در عرصه قدرت، برای انتقام از جهان! هشدارهای داد بر سر این همه در هزارتوی سیاست امریکایی درگیر و درخودتنیده ناشنیده ماند؛ و تنها آن زمان شنیده شد که هیتلر، بر بستری مهیا به لحاظ اجتماعی، سیاسی و نظامی، بر طبل جنگ کوبید؛ چه سود که دیگر راه گریزی نبود.

سفیر داد و نیز دخترش مارتا، به روایت زیبا و گیرای لارسن، شاهد زنده همه این ماجرا و سربلند کردن هیتلر و رژیم خونخوار و خودکامه در آلمانی زخم خورده بودند؛ و صعود پله به پله «پیشوا» تا بام قدرت و تا مرتبه خداوندگاری اش بر ملتی سرکوب شده، اما پخته در کوره نازیسم و فرآیند پیچیده «هماهنگسازی» آن - زنانی در مسیرش اشک می ریختند، و برخی نیز زمینی را که پیشوا بر آن گامی نهاده بود، برای برگرفتن مشتی خاک از آن به رسم یادگار، می کاویدند! او خود در گردهمایی حزبش در نورنبرگ، که سفیر داد بنا به ملاحظات سیاسی اش و به رغم دلگیری وزارت خارجه کشورش، از شرکت در آن شانه خالی کرده بود، گفته بود: «اینکه شما مرا در میان میلیون ها نفر کشف کرده اید معجزه عصر ماست؛ و اینکه من شما را کشف کرده ام از بخت آلمان است!»

لارسن، در مقدمه اش، داستان مستند خود را کتابی «غیرداستانی» خوانده، و روزنامه معتبر نیویورک تایمز در شماره ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ خود در باغ حیوانات او را - زمانی در صدر فهرست زیانزد این روزنامه از پرفروش ترین کتاب ها - «پژوهشی موشکافانه از چشم ژرف بین ویلیام داد در فرآیند صعود هیتلر بر نردبان قدرت» معرفی کرده و نیز «روایتی آموزنده از زوایای تاریخی کمترشناخته شده آن دوران، و واجد همه سرخوشی ها و گیریای های یک داستان پرماجرایی سیاسی». شاید بتوان گفت در کمتر سند تاریخی سیمای بازیگران اصلی این عرصه تاریخ ساز این چنین دقیق و شفاف زیر ذره بین قرار گرفته و چه بسا پندارورزی معمول، و در واقع گریزناپذیر، روایات و داستان های تاریخی در آن در سایه مستندات انکارناپذیر لارسن و لابه لای پژوهش سترگ و تیزبینانه اش رنگ و لعابی چندان ندارند.

نقش آفرینی مارتا، دختر سفیر - باهوش، زیبا، دست به قلم و ماجراجو - با همه بی بندوباری او در مناسباتش با دیگران، از جمله مقاماتی از نازی‌ها، در مواردی خلاف عرف دیپلماتیک و دردرساز برای پدر و یقیناً مایه افتی برای او و کشورش، نقشی محوری در روایت لارین دارد و خود نوری است بر زوایایی نادیده مانده از ایام نازی، و دستمایه نویسنده در چینش ماهرانه‌اش از موزاییک سیاسی آن دوران.

کتاب لارین، در قیاس با سایر منابع تاریخی درباره این بازه مهم تاریخ بشری، تفصیلی مثال‌زدنی دارد که کمتر در مستنداتی دیگر دیده‌ام - از جمله در روایت ماجرای «شب‌دشنه‌های بلند»، زمینه‌ها و پیامدهای آن؛ یا چهره‌پردازی بی‌رتوش آن از یاران نزدیک هیتلر، گورینگ، گوبلز، ژم و دیگران.

پرداختن به زندگی یک سفیر در مسیر ترجمه روایت لارین، به لحاظ مناسبات درونی وی با شبکه وزارت خارجه کشورش و وصف هزارتوی سنتی آن برای پیشبرد نگاهی در تعارض با جریان اصلی سیاست کشورش، برای من به عنوان سفیری بازنشسته جاذبه‌ای خاص داشت و انگیزه‌ای مضاعف شد برای شریک ساختن علاقه‌مندان به تاریخ این ایام در آن. چه بسا این جاذبه برای همکاران سابق و دوستانم در وزارت خارجه کشورمان، و نیز همه آنها که دست و نقشی در دیپلماسی داشته و دارند، کمتر از من هم نباشد.



ظاهراً باید چشم به راه خوانش سینمایی روایت لارین نیز باشیم؛ و جان‌گرفتن شخصیت‌های روایتش در قالب فیلمی به همین نام به کارگردانی میشل ازاناویسیوس، کارگردان فرانسوی برنده اسکار، با شرکت تام هنکس (در نقش سفیر داد) و ناتالی پورتمن (در نقش مارتا)، هر دو برنده اسکار.

احمد عزیزی

بامدادشان در شهری بود غرق در پرچم‌های عظیم، سرخ، سفید و سیاه. در همان کافه‌های روباز حاشیه خیابانی می‌نشستند که سیاه‌جامگان بلند و باریک «اس.اس»<sup>۱</sup> هیتلر. چه بسا گاه نگاهشان به شخص هیتلر نیز می‌افتاد — ریزنقش در مرسدسی بزرگ و روباز. هر روز گذارشان از حاشیه خانه‌هایی بود مزین به گلدان‌های شمعدانی؛ از فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر خرید می‌کردند؛ مهمانی‌های عصرانه داشتند؛ و ریه‌هایشان از رایحه بهاری تیرگارتین<sup>۲</sup>، پارک مرکزی برلین، آکنده می‌شد. با گوبلز<sup>۳</sup> و گورینگ<sup>۴</sup>

۱. ss، سرواژه Schutz-Staffel، در زبان آلمانی به معنای گردان حفاظت. اس.اس، تشکیلات شبه‌نظامی تحت رهبری هیتلر و حزب نازی، در اواخر سال ۱۹۲۰ به عنوان یک یگان حفاظتی محدود، متشکل از نیروهای داوطلب با مأموریت تأمین امنیت نشست‌های حزب راه‌اندازی شد. در سال ۱۹۲۵ هاینریش هیملر به این یگان پیوست، و در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۵ (پایان جنگ جهانی دوم) فرماندهی آن را برعهده داشت. اس.اس تحت فرماندهی او از یک سازمان کوچک شبه‌نظامی به یکی از مقتدرترین و مخوف‌ترین نهادهای رایش سوم مبدل شد و مسئول بسیاری از جنایات ضدبشری نازی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) بود. — م.

۲. Tiergarten، در آلمانی به معنی باغ حیوانات. — م.

۳. Joseph Goebbels (۱۹۹۷-۱۹۴۵)، وزیر تبلیغات آلمان نازی از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵، که به عنوان یکی از نزدیکترین همراهان و پابرجاترین مریدان هیتلر به‌خاطر مواضع ضدیهود و خطابه‌های آتشین خود شهرت داشت. وی تا پایان عمر هیتلر به او وفادار ماند و در پی شکست آلمان در جنگ جهانی دوم و خودکشی هیتلر، او نیز همراه همسرش — پس از به قتل رساندن شش فرزندشان — خودکشی کرد. — م.

۴. Herman Wilhelm Göring (۱۸۹۳-۱۹۴۶)، سیاستمدار آلمانی و از فرماندهان آلمان نازی و اعضای اصلی حزب نازی. او در سال ۱۹۳۳، پس از به قدرت رسیدن هیتلر به عنوان صدراعظم، پلیس سیاسی-امنیتی آلمان — موسوم به گشتاپو — را پایه‌گذاری کرد و در سال ۱۹۳۵ به فرماندهی نیروی هوایی این کشور، (Luftwaffe)، منصوب شد و تا آخرین روزهای جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) فرمانده این نیرو بود. گورینگ در ۲۲ آوریل ۱۹۴۵، روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، ←

حشرونشرداشتند. با آنها می‌رقصیدند و شوخی می‌کردند. سال نخست‌شان که به آخر رسید اما واقعه‌ای رخ داد که به یقین از مهمترین رخدادهای آن روزگار شد؛ ذات پنهان هیتلر در آن برون افتاد، همه‌چیز برای این پدر و دختر دگرگون شد، و نیز بستری برای همه آنچه که دهه‌ای بعد پیش آمد.

این کتاب اثری غیرداستانی است. بنا به روال، هر آنچه میان دو نشان نقل‌قول («») آمده برگرفته از نامه‌ای است، خاطره‌ای، زندگینامه‌ای، یا سندی تاریخی. من در این صفحات، فارغ از هر تلاشی برای بازنویسی کلان تاریخی دیگر از آن روزگار، نیتی دقیق‌تر و بنیادی‌تر داشته‌ام: رونمایی از جهان پیشین، با دستمایه‌ای از حس و تجربه دو شخصیت محوری‌ام، پدر و دختری که گذرانشان در برلین خود سفری شد در وادی اکتشاف و دگردیسی، اما با فرجامی از ژرف‌ترین دلمردگی‌ها.

در این وادی پای هیچ قهرمانی در میان نیست؛ اما سوسویی از قهرمانی در آن هست؛ و رد پای انسان‌هایی با رفتارهایی نامنتظر شکوهمند؛ و ظرافتی گاه دغدغه‌زا در این میان. گره کتب غیرداستانی نیز همین جاست. گریزی از کنارگذاری آنچه همگان – اکنون اما – از راستی آن آگاهیم، و در عوض تلاش برای همپایی با دو شخصیت بی‌رنگ و لعاب من، در سپهر تجارشان نیست.

اینان انسان‌هایی پیچیده، در گذار ایامی پیچیده‌اند – پیش از آنکه اهریمنان ذات راستین‌شان را برون افکنند.

اریک لارسن، سیاتل، امریکا

---

→ هنگامی که از قصد هیتلر برای خودکشی آگاه شد، با ارسال تلگرامی به صدراعظم خواهان جانشینی او شد. هیتلر اما بلافاصله او را از همه مشاغلش برکنار کرد و با اخراج وی از حزب دستور دستگیری‌اش را نیز داد. در خاتمه جنگ جهانی دوم، گورینگ در محاکمات نورنبرگ محکوم به مرگ شد اما شبی پیش از اجرای حکم اعدام در زندان خودکشی کرد. – م.